

## بررسی فقهی و حقوقی حریم خصوصی

سید محمد موسوی بجنوردی<sup>۱</sup>

نسترن پور<sup>۲</sup>

### چکیده

از جمله حقوق فطری و طبیعی انسان می‌توان به حق تنهایی یا حق استفاده از زندگی فردی اشاره کرد. این حق تحت هیچ شرایطی قابل خدشه نیست و انسان حتی با پذیرش زندگی در اجتماع حاضر نیست از جنبه‌های زندگی فردی دست بردارد. حرمت زندگی شخصی در دین اسلام بسیار مورد تأکید و توجه بوده و تحت عناوین مشخص، نظیر منع تجسس مورد حمایت قرار گرفته است. حریم خصوصی با آنکه در ایران با توجه به زمینه اسلام و فرهنگ غنی ایرانی مورد پذیرش و احترام می‌باشد، ولی قانونگذار تحت این عنوان حقوق و وظایفی را به رسمیت نشناخته است و از این جهت در این خصوص، مطلبی در ترمینولوژی حقوق وجود ندارد؛ البته این حق به صورت غیرصریح در قالب سایر حقوق و تکالیف مورد توجه قرار گرفته است. ولی از آنجا که حریم خصوصی به طور جداگانه مورد حمایت و قانونگذاری متمرکز واقع نشده، قانونگذاری در این راستا، با کاستی‌ها و نقصان‌هایی همراه است. در این مقاله سعی شده با ارائه تعاریف صاحب‌نظران و حقوقدانان از این مفهوم حقوقی، تعریفی متناسب با فرهنگ و نظام حقوقی ایران ارائه و مبانی نظری، قانونی و فقهی حریم خصوصی بیان شود.

واژگان کلیدی: حق حریم خصوصی، کرامت انسانی، آزادی‌های فردی، حقوق بشر

---

۱. استاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

## مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و همواره خواسته در میان گروهی از همنوعان خود زندگی کند. کشش او به زندگی با همنوعان از یک طرف و داشتن خلوت و تنهایی از طرف دیگر باعث شده است که میان این دو عرصه هماهنگی ایجاد کند. تحقیقات و مطالعات مردم‌شناسی نشان می‌دهد در تمام جوامع و در تمام زمان‌ها و دوره‌ها، حتی در جوامع ابتدایی قواعد اجتماعی وجود داشت که ورود به اماکن خصوصی را محدود می‌کرد و حضور در اماکن معینی را ممنوع می‌دانست. این حیطة خصوصی که تحت عنوان حریم خصوصی تعبیر می‌شود و امروزه به صورت مکرر در محاورات عامیانه و همچنین در مباحث حقوقی، سیاسی و فلسفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، محدوده مشخصی از زندگی هر فرد است که نوعاً یا عرفاً انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن محدوده دسترسی نداشته باشد یا به آن قلمرو وارد نشود یا به هر صورت، دیگران وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند. این حریم را می‌توان یکی از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق اساسی تلقی کرد، زیرا با شخصیت وی ارتباط تنگاتنگی دارد. لذا، پاسداری از آن در مقابل هرگونه تعرض در واقع پاسداری از حیثیت و کرامت انسانی است.

## مفهوم حریم خصوصی

قبل از اینکه به تعریف و مفهوم حریم خصوصی بپردازیم باید اشاره کنیم که راجع به مفهوم حریم خصوصی دو رویکرد وجود دارد:

۱. طبق این رویکرد، حق مستقلی به عنوان حریم خصوصی وجود ندارد، زیرا می‌توان هر امری را که به عنوان امر خصوصی مورد حمایت قرار می‌گیرد، در قالب نفع‌ها و حقوق دیگر از قبیل حق مالکیت، حق امنیت و حق تمامیت جسمانی و ... مورد حمایت قرار داد. بنابراین، مطابق این نظر می‌توان حریم خصوصی را در قالب دیگر قوانین و البته به صورت موضوعی، مورد حمایت قرار داد. این رویکرد، رویکرد «تحول‌گرایانه» است و طرفداران آن «تحول‌گرا» نامیده می‌شوند. یکی از نظریه‌پردازان این رویکرد «جریس تامسون» می‌باشد.<sup>۱</sup> تامسون معتقد است تمام دعاوی مربوط به حریم خصوصی، می‌تواند به طور مناسب و یکجا به عنوان تجاوز به حقوق مالکیت یا حقوق مربوط به اشخاص شرح داده شوند، آنچنان که حریم خصوصی به عنوان یک حق مستقل در نظر گرفته نشود، این حقوق در یک دسته طبقه‌بندی می‌شوند و می‌توانند کاملاً طبق حق مالکیت یا حق امنیت جسمی شرح داده شوند. حق حریم خصوصی در دیدگاه او یک حق مشتمل شده از سایر حقوق است تا اندازه‌ای که به یافتن آنچه در دسته حریم خصوصی معمول است نیازی نیست.<sup>۲</sup>
۲. بسیاری از نظریه‌پردازان بر این باورند که حریم خصوصی، مفهومی مستقل و جدا از سایر حقوق فردی است. بنابراین، این گروه حق جداگانه‌ای را به نام «حریم خصوصی» به استقلال پذیرفته‌اند. همانطور که ملاحظه می-

<sup>۱</sup>. Jarvis Thomson Judith

<sup>۲</sup>. wog, rebecca, charting its development & prospects [ <http://ssrn.com/abstract> ]

شود رویکرد تحول‌گرایانه، حق مستقلی به عنوان حریم خصوصی نپذیرفته و بنابراین، تعریف و مفهوم آن تنها مربوط به رویکرد دوم است.<sup>۱</sup>

### تعریف حریم خصوصی

حریم در اصل واژه عربی و از ریشه «حرم» است که به معنای منع و تشدید است. این واژه در عربی به دو صورت استعمال شده است:

الف) به صورت مفرد: در این صورت به معنای شریک، دوست و همچنین به معنای چیزی است که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد<sup>۲</sup>، چون عرب جاهلی به هنگام طواف کعبه، لباس خود را درآورده و برهنه طواف می‌کردند و بدین سبب که در لباس‌ها گناه کرده بودند تا پایان طواف به آن‌ها نزدیک نمی‌شوند.<sup>۳</sup>

ب) به صورت مرکب: در این صورت، کلمه حریم، گاه به مال اضافه می‌شود و گاه به انسان. در صورتی که کلمه «حریم» به مال، اضافه شود به معنای «اطراف و پیرامون» است. همانند «حریم چاه» که به معنای زمین اطراف آن است که خاک در آن می‌ریزند یا برای آب دادن به حیوانات و مانند آن مورد استفاده قرار می‌گیرند و حریم خانه که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که استفاده کامل از خانه بدان نیازمند است.<sup>۴</sup> در صورتی که واژه حریم به انسان اضافه شود، به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به خاطر آن جنگید. حریم به این معنا جان، آبرو، اهل و عیال و انسان را شامل می‌شود.

واژه حریم در زبان فارسی به معنای زیر استعمال شده است:

در صورتی که مصدر باشد، به معنای «بازداشتن از [چیزی]» و «بی‌بهره کردن از [چیزی]» است. در صورتی که صفت باشد، به معنایی از این قبیل است: «حرام کرده شده»، چیزی که حرام باشد و دست بدان نتوان زد؛ و به معنای چیزی که آن را حمایت کنند و برای حمایت از آن جنگ می‌کنند. در صورتی که اسم باشد، به معنای «حرمت [و احترام]»، «آبروی مردم» و ... می‌باشد.<sup>۵</sup> لازم به ذکر است که اطلاق حریم بر محیط پیرامون برخی اموال و همچنین بر جان، مال و عرض و آبروی انسان در برخی از این تعاریف لغوی بدین مناسبت است که این منطقه نسبت به غیر صاحبش، منطقه ممنوعه است و هرگونه دخل و تصرف در آن نیازمند اذن از صاحب آن می‌باشد.

---

<sup>۱</sup>. Stanford, Encyclopedia of philosophy: privacy, at: <http://Stanford.Edu/privacy>

<sup>۲</sup>. اسکندری، ص ۱۴۸

<sup>۳</sup>. ابن‌منظور، ج ۱۲، ص ۱۲۰

<sup>۴</sup>. ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۲/ ۱۲۰

<sup>۵</sup>. اسکندری، ص ۱۴۹

## حریم خصوصی در اصطلاح فقهی و تلویحی

از منظر «دین اسلام» یکی از نویسندگان اذعان می‌دارد که ریشه‌های تفکیک حوزه خصوصی از حوزه عمومی در متون فقهی و اخلاقی کاملاً مشخص است.<sup>۱</sup> حریم در فقه به معنای منع است یعنی چیزی که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است.<sup>۲</sup> حریم خصوصی در فقه به دو صورت مورد اشاره قرار گرفته است:

### الف) به صورت تلویحی

در برخی موارد بدون اشاره به لفظ حریم این حق مورد پذیرش و حمایت قرار گرفته است. این جنبه از حریم را می‌توان در حرمت آبروی مؤمن، حرمت تجسس در امور مسلمین، حرمت غیبت و ... یافت کرد. البته این بدان معنا نیست که رویکرد اسلام در پذیرش حریم خصوصی (حتی در این جنبه از آن نیز)، رویکردی کاملاً «تحول‌گرایانه» است، زیرا رویکرد تحول‌گرایانه حق مستقلی به عنوان حریم خصوصی نمی‌شناسد و معتقد است حریم خصوصی در قالب سایر حقوق، از قبیل حق مالکیت، حق امنیت و حق تمامیت جسمانی و ... حمایت می‌شود و اصلاً نیازی به پذیرش حق مستقل به نام حریم خصوصی نیست، در حالی که در اسلام این حق به صورت مستقل مورد پذیرش قرار گرفته است و تنها لفظ «حریم خصوصی» در متون آن به کار نرفته است؛ توضیح آنکه در اسلام احکام و دستوراتی وجود دارد که تنها برای حمایت از حق حریم خصوصی وضع شده‌اند، مثل حرمت ورود به منازل، حرمت غیبت، حرمت سخن‌چینی و ... در حالی که رویکرد تحول‌گرایانه حقی جداگانه حتی به صورت تلویحی به عنوان حق حریم خصوصی پذیرفته و در این نظام حقوقی از حریم خصوصی تنها می‌توان در قالب سایر حقوق مسلم دیگر حمایت کرد.

### ب) به صورت صریح

صورت دوم به صورت صریح می‌باشد و در فقه با اشاره به لفظ حریم از آن یاد شده و از دو جنبه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ یکی جنبه اقتصادی، دیگری جنبه اخلاقی. بر این اساس، فقها بر آن، دو مصداق ذکر کرده‌اند؛ یکی در مورد اموال و دیگری در مورد انسان. آنها معمولاً مصداق اول را در باب (احیا و موات) و مصداق دوم را در باب «جهاد» و «حدود» مطرح کرده‌اند که به هر یک از این دو رویکرد می‌پردازیم.

**کاربرد «حریم» در اموال:** مرحوم خوئی حریم در این معنا را این چنین تعریف نموده‌اند: «حریم کل شیء مقدار ما يتوقف عليه الانتفاع به»<sup>۳</sup> حریم هر چیزی مقداری از آن است که انتفاع از شیء به آن بستگی دارد. مرحوم علامه حلی کاربرد نخست را این گونه تعریف کرده است: «الحریم اشاره الى المواضع القریبه التي يحتاج اليها لتمام الانتفاع

۱. آقا بابایی، ص ۵

۲. اصفهانی، ج ۶، ص ۱۶

۳. موسوی خوئی، ج ۲، ص ۱۵۳

طریق الماء و مطرح القراب و اشیاء ذلک<sup>۱</sup>؛ حریم اشاره است به مواضع نزدیک [یک چیز] که استفاده کامل از آن چیز، نیازمند به آن مواضع باشد؛ همانند راه به سوی آب و محل ریختن خاک [چاه] و مانند آن». همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعریف حریم در این مصداق عام است و شامل اموال منقول و غیر منقول می‌شود.

**کاربرد «حریم» در مورد انسان:** مصداق دوم حریم عبارت است از چیزی که (انسان) از آن دفاع و حمایت می‌کند.<sup>۲</sup> شهید ثانی در بحث دفاع از نفس نوشته است: «انسان حق دارد در حد توان از جان و حریم و مال خویش دفاع کند»<sup>۳</sup> امام خمینی (ره) نیز می‌فرماید: «اشکالی در اینکه انسان، حق دارد از جان، حریم و مالش در برابر مهاجم و دزد و مانند آن‌ها دفاع کند.»<sup>۴</sup> ملاحظه می‌شود که فقها کلمه‌ی حریم را در برابر «جان» و «مال» به کار برده‌اند و مصادیق را نیز در کلمات خود چنین بر شمرده‌اند: «اگر هجوم آورد به حریم او، چه به زنش باشد یا غیر آن، واجب است جلوگیری از تجاوز به هر صورتی که ممکن باشد، اگرچه منجر به کشتن فرد مهاجم شود؛ بلکه ظاهر، همین حکم [وجوب دفاع] ثابت است، اگر هجوم به حریم آبرو و در حدی کمتر از تجاوز باشد.»<sup>۵</sup> پس این مصداق از حریم، آبرو و اهل و عیال آدمی را نیز شامل می‌شود؛ پس آنچه برخی پنداشته‌اند که «از نظر فقهی، حریم خصوصی به عنوان «للناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» تعبیر شده است و بر این اساس نیز حریم خصوصی با مالکیت خصوصی مترادف شده است» خلاف واقع است چون دایره حریم، فراتر از مالکیت خصوصی است.

### تعریف حریم خصوصی در حقوق

هرچند اصطلاح حریم خصوصی در مباحث حقوقی، سیاسی- اجتماعی فراوان به کار رفته و تعریف نیز شده است، اما با همه تأکیدی که بر آن می‌شود هنوز اندیشمندان، تعریف روشنی از این اصطلاح ارائه نداده‌اند و حقوقدانان نیز تا به حال نتوانسته‌اند بر تعریف واحدی توافق نمایند و هر یک تعریفی نموده‌اند که هیچ یک از آنها نیز خالی از اشکال نیست. برای نمونه :

۱. حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو، دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند.<sup>۶</sup> در این تعریف، انتظار شخص بر عدم دسترسی، عدم ورود، عدم نگاه و عدم نظارت یا عدم تعرض دیگران، معیار حریم خصوصی ذکر شده است؛ در حالی که اولاً: «انتظار» تعبیری حقوقی نیست و برای دیگران الزام‌آور نمی-

۱. حلی، ج ۱، ص ۴۱۳

۲. مجلسی، ج ۲۹، ص ۲۸۴

۳. عاملی، ج ۱۵، ص ۴۹

۴. موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۸۷

۵. موسوی خویی، ج ۳، ص ۵۷

۶. انصاری، ص ۳۸

باشد. ثانیاً بر اساس این تعریف، حریم خصوصی نسبی خواهد شد، چون انتظارات افراد و نوع تلقی آنان مختلف است و لذا دایره حریم خصوصی، نسبت به افراد متفاوت خواهد بود. ثالثاً: دو قید «عرفاً یا با اعلان قبلی» هیچ نقشی در توضیح معنای حریم خصوصی ندارند و زائد به نظر می‌رسند.

۲. یکی از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به نام لونیس براندیس، در تعریف حریم خصوصی چنین می‌گوید: «حق افراد برای تنها بودن»<sup>۱</sup>؛ اولاً: این تعریف جامع نیست، چون مواردی همانند جمع خانوادگی و یا روابط خصوصی بین دو نفر را شامل نمی‌شود؛ زیرا در آن موارد، تنهایی صدق نمی‌کند ولی حریم خصوصی می‌باشد. ثانیاً: همه لوازم حریم خصوصی بر آن مترتب نمی‌شود، چون اگر فرضاً کسی بدون اینکه تنهایی شخصی را بر هم زند بر او نظارت داشته باشد، آن شخص حق اعتراض نخواهد داشت. مشکل دیگر تعریف مذکور این است که در آن حریم خصوصی، حق فرض شده است. در حالی که حریم خصوصی، حق نیست، گرچه متعلق حق قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

بر اساس یک تعریف دیگر حریم خصوصی چنین تعریف شده است: حریم خصوصی، حق افراد برای برخورداری از حمایت شدن در برابر مداخله بی‌اجازه دیگران در امور زندگی خود و خانواده‌شان است، خواه این عمل با ابزار مستقیم فیزیکی صورت پذیرد یا به وسیله نشر اطلاعات.<sup>۳</sup> تنها اشکال این تعریف این است که در آن از حریم خصوصی به حق تعبیر شده، در حالی که حریم خصوصی حق نیست، گرچه متعلق حق قرار می‌گیرد.

**تعریف مورد قبول:** با توجه به تعریف‌های ارائه شده و توجه به معنای حریم خصوصی به نظر می‌رسد این تعریف را بتوان از حریم خصوصی ارائه نمود: «حریم خصوصی محدوده‌ای از زندگی هر فرد است که عرف و قانون، اجازه تجاوز و تعرض یا مداخله در آن را نمی‌دهد که این محدوده شامل ۴ قسمت می‌باشد:

۱. حریم خصوصی جسمانی
۲. حریم خصوصی منازل و محل‌هایی که عرف عمومی نمی‌داند
۳. حریم خصوصی اطلاعات (شامل هرگونه اطلاعاتی در مورد شخص که عرف و قانون آنان را خصوصی تلقی می‌کنند و می‌توانند به صورت اطلاع و افشای اطلاعات راجع به زندگی فرد یا ضبط تصویر، صدا و ... باشد).
۴. حریم خصوصی ارتباطات (شامل هرگونه نامه نگاری، تماس یا سایر کلمات و مکاتبات شخص می‌باشد).

### اهمیت حریم خصوصی

حریم خصوصی امروزه یکی از حقوق مسلم بشری است که قانونگذاران آن را به عنوان یکی از ابتدایی‌ترین حقوق بشری شناخته و مورد تأکید قرار داده‌اند. همان‌گونه که جان افراد باید مصون بماند. حیثیت، آبرو و حریم شخصی

۱. هوسمن، ص ۴۳

۲. همان

۳. نمک دوست تهرانی، ص ۲۰۱

آنان نیز باید از دست تنگ‌نظران و متعرضان مصون بماند. حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم در نظام-های حقوقی توسعه‌یافته است و قانونگذاران به آن، به عنوان یکی از ابتدایی‌ترین حقوق، موکداً اشاره می‌نمایند. اهمیت این حق مسلم بشری به ویژه با توسعه روز افزون فناوری‌ها و نیز اقتدارات حکومت‌ها، روز به روز بیشتر شده و امروزه بر هیچ کس پوشیده نیست.

اهمیت این حق را می‌توان از جنبه‌های زیر بررسی کرد:

الف) حق بر حریم خصوصی ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد و مانع از آن می‌گردد که اطلاعات راجع به زندگی خصوصی، به وسیله‌ای برای اعمال سلطه و استفاده ابزاری از انسان‌ها تبدیل شود یا آبرو و حیثیت یا افشای اطلاعات خصوصی آن‌ها آسیب ببیند.<sup>۱</sup>

ب) حریم خصوصی یک نیاز فطری است و از این نظر مورد توجه می‌باشد. هر انسانی از درون درک می‌کند که نیاز به فضایی خصوصی دارد تا در آن از نظارت و مداخله جامعه در امان باشد. کارل هوسمن در این زمینه می‌گوید: «انسان‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی به ما می‌گویند که نیاز به حریم شخصی، امری بسیار ریشه‌دار و یک نیاز فطری و مسئله‌ای است که تنها به انسان محدود نمی‌شود. نعره جانوران شیوه‌ای برای مشخص کردن قلمرو و دلیلی بر این مدعاست.»<sup>۲</sup>

ج) آزادی، یکی از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین حقوق انسانی است. به عقیده لاک، انسان، آزاد و عاقل پای به عرصه گیتی نهاد و تابع هیچ قانونگذاری نبوده و آزادی افراد در جامعه، یک قانون طبیعی است. تنها چیزی که می‌تواند آزادی انسان را محدود کند، خود اوست. جان استوارت میل نیز در این زمینه می‌گوید: «تنها منظوری که برای آن، آدمیان حق دارند به صورت فردی یا اجتماعی در آزادی فرد یا افراد دیگر مداخله کنند، حفاظت و دفاع از نفس است. فرد در آن قسمت از اعمال خود که تنها به خود او مربوط است، آزادی‌اش مطلق است و حدی بر آن متصور نیست.»<sup>۳</sup>

حرمت حریم خصوصی، یکی از راه‌های تأمین آزادی است و بدون آن، به آزادی اشخاص ضربه می‌خورد. به دیگر سخن، حریم خصوصی با استقلال و آزادی انسان‌ها و حق بر تعیین سرنوشت برای فرد ارتباط محکمی دارد، زیرا انسان هیچ گاه نمی‌تواند با نظارت دیگران، با آزادی کامل فعالیت خود را انجام دهد. آزادی که در پرتو حمایت از حریم خصوصی به دست می‌آید، از یک جنبه دیگر نیز دارای ارزش است، آن هم اینکه فردی باعث رشد و تعالی فرد می‌شود. در پرتو این خلوت است که افراد می‌توانند آزادانه و بدون دخالت و نظارت دیگران فکر کنند، عمل کنند و به جهاتی سرنوشت خود را رقم زنند، می‌توانند بدون اینکه در فضای ریاکارانه قرار گیرند خود را به

۱. انصاری، ص ۲۳۲

۲. هوسمن، ص ۴۳

۳. آقابابایی، ص ۷

معبود هستی نزدیک کنند یا اینکه از او فاصله گیرند. یکی از جهاتی که خداوند متعال در آیات و روایات فراوان به این حق انسانی اهمیت داده و تعرض به آن را به ما هشدار داده، این است که انسان‌ها باید فرصتی برای محک خود داشته باشند، آزادانه فکر کنند، آزادانه به طرف حق یا باطل روند و از همه مهم‌تر، این حق خلوت به انسان‌ها این فرصت را می‌دهد تا افکار و اعمال خویش را مورد محاسبه قرار داده و دور از نظارت دیگران، فارغ از هرگونه ریاکاری، اصالت و صداقت خود را مورد ارزیابی قرار دهند و هیچ کس در این جنبه از زندگی حق دخالت ندارد. انسان، آزادانه باید در مسیر رشد و کمال، مسیر صعود یا نزول را طی کند تا هنگامی که در پیشگاه حق حاضر شود.

د) حریم خصوصی و رشد فکری و معنوی: یکی از جنبه‌های حریم خصوصی، حریم خصوصی عقیده می‌باشد که شخص در پرتو آن می‌تواند با اطمینان کامل به این مهم که عقاید او حریم خصوصی فکرش تلقی می‌شود و برای او تبعات زیان‌آور و همنامی نخواهد داشت و جزء با رضایت خود ملزم نیست که آن‌ها را برای دیگران فاش نماید، به ارزیابی و ارتقای آن می‌پردازد و بدین ترتیب به کمال فطری مطلوب خود که رضایت درونی را برای او به ارمغان می‌آورد نایل شود.<sup>۱</sup>

ه) از جمله آثار عدم رعایت حریم خصوصی، جرأت افراد و دولتمردان برای ورود به حریم خصوصی افراد آن است که در این شرایط گناه شایع می‌شود و بدی‌ها عمومی، عادی، همگانی و قبیح‌زدایی می‌گردد.<sup>۲</sup>

و) حریم خصوصی و صمیمیت: حریم خصوصی و صمیمیت، عمیقانه به هم مرتبط هستند. به عبارتی، حریم خصوصی ارزشمند است، بدین لحاظ که صمیمیت بدون آن غیر ممکن است. در قبال مصونیت حریم خصوصی، شخص قادر به برقراری روابط در برگیرنده‌ی احترام، عشق، دوستی و اعتماد می‌باشد. در صورتی که حریم خصوصی، مصون از تعرض باشد، فضای لازم برای رشد و تکامل شخصیت افراد فراهم می‌آید و اشخاص با تعقیب غایات و اهداف خصوصی، درجات مختلفی از صمیمیت را مطابق میل خود با دیگر هم‌نوعان برقرار می‌کنند، در عرصه خصوصی است که عرصه ابزار عواطف و احساسات برای اشخاص فراهم می‌آید.<sup>۳</sup>

ز) مصونیت جامعه از ریا: جامعه‌ای را تصور کنید که به حریم خصوصی، خصوصاً حریم خصوصی عقاید، اهمیت نمی‌دهد. افراد این جامعه برای اینکه از توبیخ و سرزنش‌های یابند خیلی از اوقات مجبور می‌شوند به دروغ متوسل شوند. شخصی که برای گزینش و استخدام در یک ارگان معمولی و غیر امنیتی در جامعه، تفتیش عقاید می‌شود، ممکن است مجبور به دروغ‌گویی شود. این‌ها همه از شخص یک دروغگوی حرفه‌ای می‌سازند و دروغ و ریا در جامعه رواج می‌یابد. ریاکاری به قدری در جامعه رواج می‌یابد که اعتماد دیگر جایی در آن پیدا نخواهد کرد.

### حریم خصوصی در اسلام

۱. عامری، ص ۱۱

۲. منصورنژاد، ص ۱۶۲

۳. انصاری، ص ۴۱



حقوق اسلام برای شرافت، شأن و کرامت بشری و حقوق و آزادی‌های انسان ارزش و احترام ویژه‌ای قائل است. از دیدگاه اسلام، انسان موجودی آزاد است که حق تشخیص خوب و بد و گزینش عقاید، اعمال و رفتار را داراست. از برخی آیات هم می‌توان استفاده کرد که دین اسلام، بشر را به هیچ کاری مجبور نمی‌سازد، بلکه آنچه بیان نموده است همه از سر لطف و راهنمایی است. همانطور که خداوند متعال فرموده است: «إنا هدیناه السبیل إیا شاکراً و إیا کفوراً»<sup>۱</sup>.

حق داشتن خلوت و حریم خصوصی یکی از حقوق و آزادی‌هایی است که برخی آیات قرآن کریم، روایات و احادیث، دلالت بر پذیرش آن توسط اسلام دارند. این حق گرچه تحت این عنوان در اسلام مطرح نشده است، ولی در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر منع تجسس و ... حمایت شده است. مباحث و اصطلاحاتی را که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی و بیان علل و حکمت‌های حمایت از آن به کار رفته‌اند می‌توان تحت عناوین ذیل دسته‌بندی کرد.

### ممنوعیت تجسس

یکی از دلایل مهم و شفاف در زمینه حمایت از حریم خصوصی در آیات و روایات اسلامی، ممنوعیت تجسس در زندگی دیگران است. این دستور به دلیل عمومیتش شامل بیشتر قسمت‌های زمینه‌های حریم خصوصی می‌باشد. قبل از بیان آیات و روایات در این مورد، ابتدا معنای تجسس ارائه شده است و سپس به بررسی آیات و روایات در این زمینه می‌پردازیم: تلاش برای دستیابی به امر پنهانی و مکتوم یا امور شر و عیوب اشخاص با هر انگیزه‌ای که صورت پذیرد، عرفاً تجسس به شمار می‌رود. تجسس و تفتیش در زندگی خصوصی مردم و امور صرفاً شخصی افراد، عقلاً، نقلاً (شرعاً)، حرام است و به جز در موارد استثنایی که شرع مقدس، آن را تجویز نموده، هرگز واری در احوالات مردم و کشف امور مخفی و عیوب پنهانی آن‌ها جایز نیست و هر کس عامدانه اقدام به این عمل کند، معصیت کار و در صورت عدم توبه، مستوجب آتش دوزخ است. از آنجا که در روایات و آیات قرآن، درباره رعایت حریم خصوصی دیگران تأکید شده است اسلام نه تنها به ما اجازه‌ی این کار را نمی‌دهد، بلکه توصیه‌های فراوانی به پرده-پوشی کرده است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «این خود ما بودیم که این اصل را به صورتی درآوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فرا نشانیدیم. ما فقط در منکراتی که علنی است و آشکارا انجام می‌شود، حق تعرض داریم، دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است، نداریم»<sup>۲</sup>. تجسس از نظر عقلی ظلم محسوب می‌شود و ظلم کردن در نزد عقل، قبیح است. قبح ظلم یک مستقل عقلی است؛ یعنی عقل به طور مستقل و بدون توجه به حکم شرع به قبح و ناروا بودن ظلم می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. الناس/۳

۲. مطهری، ج ۲۰، ص ۱۹۹

۳. مظفر، ج ۱، ص ۷۳۵

عقل سلیم هر انسانی همان طور که تجاوز به جان و مال افراد را ظلم و ناروا می‌داند، تجاوز به آبروی آنان را نیز ظلم و ناپسند می‌شمارد. بنابراین، هر چه که سبب ریختن آبروی افراد شود، عقل آن را مصداق ظلم و قبیح می‌داند. تجسس در زندگی خصوصی افراد و جستجو از نقایص و معایب صرفاً شخصی مردم، سبب ریختن آبروی آنان می‌گردد، به همین جهت از مصادیق ظلم و ممنوع است.

### نهی از تجسس در قرآن و سنت

ممنوعیت تجسس در امور دیگران در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: «یا ایها الذین آمنوا... لا تجسسوا». در ابتدای آیه از گمان بد در مورد دیگران نهی شده و در تفسیر بیان السعاده، علت پدیدار شدن گمان بد، تجسس و تفحص از حال درونی دیگران ذکر شده و بنابراین طبق این نظر، قسمت دوم آیه که از تجسس منع نموده، در حقیقت بیان تعلیل قسمت اول آیه می‌باشد و به عبارتی دیگر تجسس و تفحص علت ظن گمان بد نسبت به مؤمنین است.<sup>۱</sup> با دقت در این آیه باید گفت: حریم خصوصی شامل حوزه‌های مکانی، آبرویی، مالی و جانی فرد است و کاملاً جنبه شخصی دارد که نباید مورد دستبرد قرار گیرد و از آنجا که این قلمرو به عنوان یک حق محسوب می‌شود، دیگران در برابر آن تکلیف دارند و نمی‌توانند با دلایل احتمالی به آن وارد شوند یا به افشای آن پردازند.<sup>۲</sup>

علاوه بر آیات قرآن، در سنت و سیره پیامبر و ائمه اطهار (ع) نیز تجسس کردن در امور خصوصی افراد، ممنوع خوانده شده است. آن بزرگواران هم با گفتار ارزشمند خود، مسلمانان را از این کار نهی نموده‌اند و هم با رفتار خود جلوی اینگونه اعمال را می‌گرفتند. در اینجا به ذکر حدیثی که از آن بزرگواران در مورد نهی از تجسس نقل شده می‌پردازیم: در حدیثی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بدترین مردم بدگمانانند و بدترین بدگمانان تجسس‌کنندگان و بدترین تجسس‌کنندگان پرگویانند و بدترین پرگویان حریم شکنانند.»<sup>۳</sup>

### مصونیت اندیشه بیان

تعقل و خردورزی در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و چه بسا مقدم بر حق حیات می‌باشد. اسلام با تأکید، انسان‌ها را به آزاداندیشی دعوت کرده است و از اسارت فکری و کج‌اندیشی باز می‌دارد. جهاد با نفس و شهادت در راه دین برای آزادی عقیده محقق‌ترین دلیل بر اهمیت داشتن اندیشه بیان می‌باشد. اسلام، نه تنها رد عقاید و افکار انسان‌ها را از ناحیه هر مقام و تشکیلاتی، عملی نادرست و غیر انسانی می‌داند، بلکه ملاک تکلیف و معیار ارزش افراد را در عقل و مقدار دانش و تفکر آنان منحصر می‌کند. در قرآن کریم بر آزادی عقیده تصریح شده است: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» در قبول دین اکراهی نیست، زیرا راه درست از راه انحرافی روشن شده

<sup>۱</sup> خانی و ریاضی، ج ۱۳، ص ۱۶

<sup>۲</sup> طباطبایی، ج ۱۵، صص ۹۰-۹۱

<sup>۳</sup> نوری، ج ۹، ص ۱۴۷

است»<sup>۱</sup>. قرآن کریم در بسیاری از آیات، برای آنکه مردم را به تفکر آزاد، وادار کند و روح تحقیق را در آنان زنده نماید، آنان را امر به تفکر و مفاهیم مشابه آن مانند تدبیر، تعقل، تذکر و تفقه می‌نماید و همچنین با توجه به تأکید قرآن به تعقل و خردورزی و بیانات ائمه اطهار (ع) در این رابطه روشن می‌گردد که اسلام نسبت به عقل و اندیشه و تفکر، ارزش و احترام ویژه‌ای قائل است و عقل و اندیشه افراد را مصون از تعرض می‌داند.

ارزشمندترین و زیباترین موهبتی که امامان معصوم و پیامبران، برای انسان معرفی کرده‌اند، عقل خود اوست. از امام ششم (علیه‌السلام) روایت شده که فرموده: «بهترین عبادت، همواره تفکر کردن در عجائب خلقت و بدایع جهان آفرینش است»<sup>۲</sup>. پیامبر (ص) فرمودند: خداوند به بندگانش چیزی بهتر از عقل نداده است<sup>۳</sup>. قرآن و روایات اسلامی عقل را ملاک انسانیت و تعیین جهت شخصیت انسان‌ها قلمداد می‌کنند. همین احترام اسلام به افکار و آزاد گذاشتن اندیشه‌های مردم در کاوش‌های علمی بود که باعث گردید در مدت کوتاهی تحول فکری و فرهنگی عظیمی در کشورهای اسلامی پدید آید. در واقع هدف اسلام از ترویج این آزادی فکری آن است که عقل استدلالی را در جان مسلمانان رشد دهد<sup>۴</sup>.

### آزادی بیان در قرآن و سنت

اسلام برای آزادی بیان و قلم، در محدوده‌ای مشخص ارزشی فوق‌العاده قائل است. در نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده، سخن از قلم و بیان است. خداوند به قلم سوگند یاد می‌کند و بدین وسیله ارزش آنرا در پیشگاه الهی یادآوری می‌کند. چنانکه «قدرت بیان» را از نخستین مظاهر رحمت الهی می‌شمارد که پس از آفرینش انسان به او عطا شده است. یکی از الفاظی که در جای جای قرآن به کرات به چشم می‌خورد کلمه «بیان» و مشتقات گوناگون آن است؛ مثلاً کلمه «بینات» حدود ۵۱ بار، «بینه» ۱۹ بار، «تبیین» ۱۱ بار و کلمات مشابه ده‌ها بار در لا به لای آیات الهی تکرار شده‌اند. از امام علی (ع) نقل شده است: «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال؛ همیشه در برخورد با سخنان افراد به خود سخن بنگرید و هیچ‌گاه به صاحب سخن توجه نداشته باشید»، زیرا ممکن است محبت شما و حسن ظن یا سوء ظن شما به شخص موجب شود که در فهم سخن او به اشتباه افتید و از پیامبر اسلام (ص) روایت شده که فرمود: «اختلاف امقی رحمه» که یک معنای آن همان تبادل افکار و اختلاف آرا در مسائل مختلف علمی است.

### حریم و امنیت جان

۱. بقره/ ۲۰۶

۲. کلینی، ج ۲، ص ۵۵

۳. همان

۴. ایازی، ص ۱۰۴

در آیات و روایات بسیاری به حفظ صیانت و حمایت از این حق حیاتی اشاره شده است. حق حیات برای هر کس و در نتیجه تکلیف دیگران به رعایت این حق، آنقدر ارزشمند است که در قرآن کریم، کشتن یک فرد مانند سلب حیات همه انسان‌ها معرفی شده است. از آنجا که از نظر اسلام، حیات امانتی در نزد انسان است، او نه تنها حق تعدی به آن را ندارد بلکه به حفظ آن مکلف است. در واقع، حق حیات به این معنی نیست که فرد توانایی تصرف در زندگی و نیز اختیار اسقاط آن را داشته باشد بلکه به این معنی است که تکلیفی برای دیگران ایجاد می‌کند و آن تکلیف این است که هیچ کس نباید متعرض حیات و زندگی دیگران شود. یکی از مهم‌ترین دلایل عظمت و ارزش حیات که حق حیات از دیدگاه اسلام را ثابت می‌کند تشریح قصاص به عنوان عقوبت مناسب برای قاتل «النفس محترمه» است.

اسلام، برای زندگی انسان ارزش والایی قائل است، آنچنان که در کتب فقهی عنوان «نفس محترمه» مطرح است که در ذیل به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم: پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «ریختن خون مسلمان جایز نیست مگر اینکه یکی از این سه شرایط را دارا باشد: کفر بعد از ایمان آوردن، یا زنا کردن با داشتن همسر، یا کشتن انسان بی-گناهی به ناحق<sup>۱</sup>». با توجه به امانت الهی بودن حق حیات، همه انسان‌ها وظیفه دارند که آن را محترم بشمارند و در حفظ آن بکوشند.

### مصون بودن شغل افراد از تعرض

آزادی انتخاب شغل یکی دیگر از حقوق فردی است که نقض آن باعث نقض حریم خصوصی فرد می‌شود. از آنجا که افراد بشر با ذوق‌ها و سلیقه‌های گوناگون آفریده شده‌اند، یکی علاقه به تحصیل دارد و دیگری ذوق کار یا هنر یا صنعت و ... برای اینکه استعدادها شکوفا شود و افراد بتوانند مطابق با ذوق و استعداد خود شغلی را انتخاب کنند، نباید در جامعه چیزی مانع رشد و پرورش استعداد افراد باشد، چون ظرفیت وجودی و ویژگی‌های روحی افراد متنوع‌اند و نمی‌توان افراد را به کاری یا حرفه‌ای اجبار کرد، زیرا اجبار کردن آنان در واقع نابود کردن استعداد و شخصیت آن‌هاست. بنابراین، لازم است که در جامعه آزادی وجود داشته باشد تا افراد فرصت داشته باشند استعداد-های خود را بروز دهند. از این‌رو، آزادی شرط اساسی پیشرفت تمدن و فرهنگ است.

### آزادی انتخاب شغل در اسلام

در اسلام هرچند در این‌باره بحث مشخصی در کتب معتبر اسلامی به چشم نمی‌خورد ولی وقتی به سندی بر می‌خوریم که می‌گوید: «الناس کلهم امرا و الامن اقر علی نفسه به لعبودیه؛ مردم همه آزادند مگر کسانی که به بندگی خود اقرار نموده و تن به پستی و خواری داده‌اند.<sup>۲</sup>» یا در سند دیگری می‌فرماید: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» بنده دیگری نباش که خدا تو را آزاد آفریده است، دلالت دارد بر اینکه، هر فرد می‌تواند حرفه و شغل مورد

<sup>۱</sup> نجفی، ج ۱۳، ص ۱۳۳

<sup>۲</sup> عاملی، ج ۲۳، ص ۵۴

علاقه خود را آزادانه انتخاب و از راه‌های مشروع، نیازمندی‌های خود را تأمین کند. از این‌رو، هر کار و شغلی (به جز آنها که به زیان اجتماع است و صریحاً در اسلام ممنوع شده) مباح و حلال است. هرچند نسبت به بعضی از کارها توصیه بیشتری شده است. از نظر اسلام کار و تلاش جدای از آثار مثبت مادی، در سازندگی روح و فکر انسان هم مؤثر است و کار برای خدا همگام با تأمین نیازهای زندگی و پیشرفت جامعه برای شخص، اجر و پاداش فراوان (اخروی) هم به ارمغان می‌آورد. کار و تلاش برای تأمین معیشت در آیات و روایات فراوانی مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و أن لیس الانسان الا ما سعی؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جزء سعی و کوشش او نیست» زیرا کار مایه حیات انسانی و اساس تمدن بشری است. افراد انسانی، با رام کردن طبیعت برای تأمین زندگی خویش گام بر می‌دارند و بدین طریق مراتب انسانیت خو را به اثبات می‌رسانند؛ تا آنجا که می‌توان گفت استعداد کار و کرامت ذاتی انسان، به طور جدایی‌ناپذیر موهبت الهی می‌باشد و خداوند بدین ترتیب افراد بشر را در ردیف اشرف مخلوقات قرار داده است.

«و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفصیلاً؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم». از نظر فطری، انسان آزاد آفریده شده است و این آزادی، آزادی کار را نیز شامل می‌شود؛ بدین معنی که انسان وقتی احساس آرامش می‌کند که بر اساس کشش‌های طبیعی و با میل خود به کار و تلاش برای تأمین معیشت خود بپردازد بدون اینکه جبر و تحمیلی او را به این کار سوق دهد. در اندیشه اسلامی، با وجود تشویق افراد به کار برای کسب معیشت و توجیه رابطه کار به صورت اجاره اشخاص و استخدام که بر اساس آن افراد در خدمت افراد دیگر قرار می‌گیرند، کار اجباری مردود است. فقهای اسلام صریحاً اعلام کرده‌اند که: عمل هر انسانی محترم است و کسی نمی‌تواند نتیجه فعالیت و تلاش کسی را بدون طریق مشروعی مالک گردد.

آزادی شغل و کار در اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی به پدر و مادر هم اجازه نمی‌دهد افکار و عقاید خود را به فرزند تحمیل کنند؛ یعنی فرزندان خود را به شغل و حرفه‌ای که خود انتخاب کرده‌اند اجبار کنند. امام علی (ع) از اینگونه تربیت تحمیلی استفاده کرده و لزوم توجه به کیفیت زمان را گوشزد نموده است، آنجا که فرموده است: «لا تؤدیوا اولادکم باخلاقکم لانهم حلقوا لزمان غیر زمانتکم؛ معنای این جمله این است که فرزندان خودتان را به اخلاق خودتان تربیت نکنید، برای اینکه آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند»؛ یعنی شما متعلق به یک زمان هستید و فرزندان شما متعلق به زمان آینده. اخلاقی که شما خودتان دارید خوب است ولی متعلق به زمان شماست و اما اخلاقی که آنها باید داشته باشند اخلاقی است که باید در زمان آینده خوب باشد.<sup>۱</sup> از نظر اسلام کسی که برای تأمین مایحتاج زندگی خود و خانواده خویش تلاش می‌کند اجر و پاداشی همانند مجاهد فی سبیل الله دارد. امام رضا (ع) می‌فرماید: «الذی یطلب من فضل الله ما یکف به عیاله اعظم اجراً من المجاهد فی سبیل الله عزوجل؛ کسی که از فضل خدا طلب روزی کند تا خانواده خود را بی‌نیاز کند پاداشش بیشتر از کسی است

<sup>۱</sup>. مطهری، ج ۲۱، ص ۱۸۳

که در راه خداوند عزوجل جهاد کند<sup>۱</sup>». امام خمینی (ره) نیز به حق کار اهمیت داده و در تحریرالوسیله به تحریک و ترغیب بر آن به ویژه بر تجارت، زراعت و دامپروری تأکید کرده است<sup>۲</sup>.

ممنوعیت تجاوز به مسکن افراد

انسان همانگونه که دارای دو بعد فردی و اجتماعی است، دارای دو گونه زندگی فردی و گروهی هست که هر کدام، آداب و مقررات ویژه خود را دارد. لازمه زندگی جمعی و گروهی این است که انسان از نظر خوراک و پوشاک، طرز نشست و برخاست و گفتار آداب خاصی را رعایت کند که ادامه این شرایط در همه شبانه‌روز طاقت‌فرسا است. به همین جهت در پی آن است که در کنار خانواده در درون خانه‌اش در استراحت و آرامش و امنیت کامل باشد و هیچ کس اجازه نداشته باشد که سر زده و خودسرانه بر محیط زندگی او وارد شود، زیرا فلسفه وجودی خانه خصوصی و بستن در، این است که انسان بتواند مدتی از شبانه‌روز را به دور از قید و بند بیرون خانه، زندگی کند. شاید بتوان گفت آنچه در واقع به خانه ارزش می‌دهد، امنیت آن است که برای ما این امکان را فراهم می‌آورد که در زندگی داخلی و خصوصی خود از استقلال کامل بهره‌مند شویم. اگر بنا باشد هر کس سر زده و بدون اجازه وارد حریم خصوصی دیگران شود، دیگر آزادی و امنیت و آرامش وجود نداشته و استقلال فردی و به طور کلی امنیت شخصی، مفهوم خود را از دست می‌دهد. به همین سبب در میان همه اقوام و ملت‌ها در روی کره زمین مقررات و محدودیت‌هایی خاص در این زمینه بوده و در تمام قوانین بشری، وارد شدن به خانه حریم خصوصی دیگران بدون اجازه آنها ممنوع بوده و غیر قانونی محسوب می‌شود و برحسب تفاوت فرهنگ‌ها و ملت‌ها، محکومیت خاصی به دنبال دارد<sup>۳</sup>.

در زمان ظهور اسلام، اعراب جاهلی برای ورود به حریم و منزل یکدیگر، درخواست اذن و اجازه نمی‌کردند. اجازه خواستن برای ورود به منزل دیگری را نوعی توهین به خود می‌دانستند. با ظهور اسلام این شیوه کنار گذاشته شد و اسلام افراد را از ورود سر زده به خانه و منزل دیگران باز داشت و همه را موظف ساخت با اجازه قبلی وارد خانه دیگران شوند.

مبانی فقهی و شرعی حرمت مسکن افراد

با بررسی آیات و روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) مشخص می‌شود که موضوع امنیت مسکن و اینکه کسی حق ندارد بدون اجازه صاحب خانه و یا اجازه قانون وارد منزل بشود، در اسلام صریحاً تأکید شده است و مقرراتی برای ورود به آن وضع کرده است. مطالعه در تمام این زمینه‌ها نشان می‌دهد که با گذشتن قرن‌ها از نزول کتاب آسمانی مباحث آن به خصوص در حرمت منزل غیر، هنوز طراوت اولیه خود را از دست نداده و در مقایسه با

۱. عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۷

۲. خمینی، ج ۲، ص ۳۵۵

۳. فرج‌الهی، ص ۳۲

قوانین بشری، برتری و الهی بودن آن احکام، کاملاً مشخص است. قرآن کریم در سوره نور آیه ۲۷ و ۲۸ به طور صریح و ضمنی، حرمت منزل اشخاص را مورد اشاره قرار داده و احکام خاصی را در این زمینه بیان کرده است.

قرآن کریم در سوره نور، یکی از عمده‌ترین مصادیق حریم خصوصی، یعنی مصونیت مسکن را پذیرفته و دیگران را به احترام نسبت به آن دعوت نموده است. در آیه ۲۷ سوره نور، خداوند افراد را از ورود به خانه دیگران بدون اجازه صاحب خانه منع می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی غیر خانه‌های خودتان وارد نشوید مگر آنکه اجازه بگیرید و بر ساکنانش سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید پند بگیرید». در این آیه ورود به منازل اشخاص منوط به استیناس و استیذان شده است. استیناس، یعنی هنگام ورود به منازل دیگران باید خود را معرفی کرد و آشنایی‌های لازم را به صاحب منزل داد تا وی در صورت تمایل در را بگشاید. استیذان، یعنی کسب رضایت صاحب منزل پیش از ورود به آن. امروزه استیذان دو شرط بسیار مهم در تفتیش و بازرسی از منازل اشخاص است که از مقتضیات دادرسی عادلانه به شمار می‌رود.<sup>۱</sup>

چنانکه ملاحظه می‌شود در این آیه استثنایی به چشم نمی‌خورد و دستور برای همگان است و جمله «تستأسبوا» حاکی از آن است که نه تنها اجازه بگیرید، بلکه با اهل خانه مأنوس شوید؛ یعنی با رعایت ادب و مهر و محبت و با سلام اجازه بگیرید نه با صدای خشن و دور از نزاکت و بی‌ادبی و سر و صدا. خداوند در آیه ۲۸ سوره نور می‌فرماید: حتی اگر اجازه داده نشد، برگردید و ناراحت نشوید چنانکه خداوند می‌فرماید: «و اگر کسی در آن خانه نیافتید داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شود بازگردید، برگردید که برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است». این عمل (اجازه گرفتن) سبب می‌شود که مردم به یکدیگر اطمینان پیدا کنند، حریم‌ها محفوظ گردد، آنچه مردم دوست ندارند کسی از آن آگاه گردد و همچنان از دیگران پوشیده بماند، بالاخره نتیجه‌اش آشکار شدن خوب‌ها و مستور ماندن ناشایست‌ها است.

در توضیح آیات فوق اشاره به چند نکته ضروری است: نکته اول اینکه در عربی کلمه بیت که در این آیات مورد استفاده قرار گرفته به معنی اتاق است. پس اسلام حوزه خصوصی را به اتاق افراد یک خانواده نیز می‌کشاند و اگر می‌خواست آنرا محدود به خانه کند، باید از کلمه دار بهره می‌جست که به معنی خانه است. بنابراین، اسلام هر محدوده خصوصی را محترم می‌شمرد، چه این محدوده خانه‌ای باشد که دارای اتاق‌های فراوان است و چه اتاقی کوچک باشد در مهمانسرا و یا حتی چادر و مکانی که شخص تحت شرایطی به عنوان حریم خصوصی خود می‌شناسد و در آن به سر می‌برد.<sup>۲</sup> نکته دوم مربوط به قسمت پایانی آیه ۲۸ سوره نور است: «إن قبل لكم ارجعوا فارجعوا هو ازکی لكم و الله بما تعلمون علیهم»، این فراز آیه در بردارنده بدیهی‌ترین حقوق آدمی است که اعلام آمادگی یا عدم تمایل خویش را نسبت به ورود دیگران به محدوده زندگی شخصی خود و راه‌یابی آنان به محل سکونت خود اعلام می‌دارد و افراد می‌توانند با به کار بستن آن دستور قرآنی از بسیاری از تکلفات و ناراحتی‌های

<sup>۱</sup>. انصاری، ص ۷۱

<sup>۲</sup>. مطهری، مسئله حجاب، ج ۱۹، ص ۱۳۲

بعدی که ممکن است برایشان وارد شود رهایی یابد، چرا که ممکن است به هر دلیلی در آن شرایط شخص میزبان تمایلی به پذیرفتن مهمان نداشته باشد که در این صورت یا می‌گوید، بگویید فلانی در خانه نیست که غالب نیز همین‌طور است، یا اینکه علیرغم میل باطنی او را می‌پذیرد که باعث تکلف و مشقت است. بنابراین، می‌تواند با به کار بستن این دستور قرآنی هم از دروغ مصون بماند و هم مانع از به وجود آمدن رنجش و ناراحتی برای مهمانان شود.<sup>۱</sup> نکته سوم اینکه شاید تصور شود اسلام به دلیل تأکید فراوان که بر بحث زن و حجاب داشته چنین بحثی را مطرح کرده و افراد را از اینکه بدون اجازه وارد خانه دیگران شوند نهی کرده است. در آیات فوق هیچ‌گونه اشاره‌ای به خانه‌هایی که زنان در آن زندگی می‌کنند و یا نمی‌کنند نشده است، حاصل آنکه در بحث استیذان فقط احترام به حریم خصوصی افراد مطرح بوده و بحث از مسایلی چون حجاب مصداق ندارد.

ناگفته نماند غیر از مکان‌ها و خانه‌هایی که باید برای ورود به آنها اجازه گرفت، مکان‌هایی هم هست که از این حکم استثناء شده‌اند و برای ورود به آنها اجازه گرفتن لزومی ندارد؛ مانند ادارات، مغازه‌ها، انبارها، هتل‌ها و ... دیگر جاهایی که برای پذیرایی عموم آماده شده‌اند، (البته آنجاها هم قسمتی که برای عموم آماده شده باشند) نه اینکه به قسمت‌های خصوصی یا محل استراحت شخص یا عده‌ای که مخصوص آنهاست. در این زمینه باز هم قرآن کریم می‌فرماید: «گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی بشوید که در آنجا متاعی متعلق به شما وجود دارد، و خدا آنچه را آشکار می‌کنید یا پنهان می‌دارید، می‌داند». در این آیه شریفه (قطع نظر از معنی «متاع» که مفسرین معانی مختلفی را بر آن بیان کرده‌اند) به یک نکته باریک اشاره شده است و آن اینکه ممکن است کسانی پیدا شوند و به بهانه اینکه ما متاعی در خانه کسی (یا جایی که ورود به آنچه ممنوع بوده) داریم، وارد شوند. آنجا می‌فرماید: «اگر چیزی را در دل پنهان نمایید خداوند آنرا می‌داند...». پس انسان وقتی می‌خواهد به خانه یا مکانی وارد شود، باید از صاحب آن اجازه بگیرد، چرا که خانه هر کس به منزله محدوده شخصی آن فرد است و ورود بدون اجازه به آن محدوده ممنوع و محل آسایش دیگران بوده و عواقبی به دنبال دارد.

علاوه بر قرآن، در سنت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز بر حرمت مسکن افراد تأکید شده است. زید بن علی از پدرش امیر المؤمنین نقل می‌کند: بر پیامبر در حالی که در یکی از حجره‌هایش بود وارد شدم پس از او اجازه گرفتم و پیامبر به من اجازه ورود داد و وارد شدم». پیامبر (ص) فرمودند: یا علی آیا نمی‌دانی خانه من خانه دوست، چرا از من اجازه می‌گیری؟ گفتم: یا رسول الله، دوست دارم که آن را انجام دهم. پیامبر فرمود: یا علی آنچه دوست داری، خدا نیز دوست دارد و نکته آموزنده‌ای از آداب الهی را آموختم.<sup>۲</sup> حتی موقع در زدن نباید روبه‌روی در ایستاد، چنان که در حدیثی می‌خوانیم وقتی پیامبر به در خانه کسی می‌آمد روبه‌روی در نمی‌ایستاد، بلکه در طرف

<sup>۱</sup> مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۳۳

<sup>۲</sup> مجلسی، ج ۷۲، ص ۵۶۸



راست یا چپ قرار می‌گرفت و می‌فرمود: «السلام علیکم» و به این وسیله اجازه ورود می‌گرفت، زیرا در آن روز هنوز معمول نبود که در برابر خانه پرده بیاویزند<sup>۱</sup>.

#### حمایت از حریم حیثیت اشخاص

انسان دارای دو حیات مادی و معنوی است. حیات مادی مربوط به جسم است، اما حیات معنوی، در مبانی فکری و عاطفی او، در ابعاد فردی و اجتماعی به طور وسیع و گسترده قرار دارد، به گونه‌ای که او را از حیوانات جدا می‌سازد. شخصیت وجودی انسان در واقع در حیات معنوی‌اش نمود پیدا می‌کند و حیات مادی او را از نظر فردی و اجتماعی تحت الشعاع قرار می‌دهد. انسان خردمند نسبت به حیات معنوی خود تا آن حد حساس است که برای حفظ و مراقبت از آن، جان و مال خود را به خطر می‌اندازد. حیثیت که مترادف آبرو، اعتبار و شئون اجتماعی می‌باشد، تجلی حیات معنوی افراد در روابط اجتماعی است. از بین بردن حیثیت و آبرو و شخصیت فرد نیز از جرایم علیه حقوق فردی است که حریم خصوصی فرد را نقض کرده و امنیت فکری و روانی او را به هم می‌ریزد.

#### نتیجه‌گیری

حریم خصوصی افراد، قلمرو و محدود‌هایی از اعمال رفتارها و ویژگی‌ها و مختصات هر شخص است که برای عموم آشکار نبوده و در وهله‌ی نخست به فرد معینی اختصاص دارد و وی نیز تمایل به افشای آن ندارد. اشخاص هیچگونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر واکنش نشان می‌دهند. مصادیق این حق بنیادین به صراحت در آیات قرآن و روایات مورد حمایت بوده قرار گرفته است. با توجه به این اهمیت در به رسمیت شناختن این حق برای عموم افراد جامعه و خلا قانونی حمایت از این حق بنیادین، لازم است قانونگذار اسلامی با مبنا قرار دادن معیار شخصی در شناسایی مصادیق این حق به احصا آنها پرداخته و حمایت از حریم خصوصی اشخاص را جنبه‌ی قانونی بخشد.

#### منابع:

۱. آقا بابایی، حسین، عباسی، مراد، ۱۳۸۹، لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.
۲. ابن منظور، ابی‌الفضل جمال‌الدین محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ ه.ق، لسان العرب، دارالفکر الطباعة و النشر و التوزیع، دارصار، چاپ سوم، بیروت، چاپ سوم، ج ۱۲.
۳. اسکندری، مصطفی، ۱۳۸۹، ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۵۸.
۴. اصفهانی، محمدتقی، ۱۴۰۶ ه.ق، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبود، چاپ دوم، قم، ج ۶.

---

۲. مکارم شیرازی، ج ۲۳، ص ۱۹۸

۵. انصاری، باقر، ۱۳۸۶، حقوق ارتباط جمعی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران
۶. ....، ۱۳۸۶، حقوق حریم خصوصی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۷. حرعاملی، محمدبن الحسن، ۱۴۰۹ ق، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، قم، ج ۲۳.
۸. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، بی تا، تذکره الفقهاء (ط-الحديثه)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
۹. خانی، رضا، ریاضی، حشمت الله، ۱۳۷۲، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده، دانشگاه پیام نور، تهران.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ه.ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۱۱. عامری، زهرا، ۱۳۸۸، آسیب شناسی حق حریم خصوصی در قوانین و مقررات ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، به راهنمایی دکتر رحمت الهی، دانشگاه تهران، پردیس قم
۱۲. عاملی، زین الدین بی علی، ۱۴۱۳ ه.ق، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، الباب الثالث فی الدفاع، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم.
۱۳. فرج اللهی، فرج الله، ۱۳۸۳، ورود بی اجازه ممنوع، مجله درس های از مکتب اسلام، شماره ۱۲.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ج ۲.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بی تا، بحار الانوار، الاسلامیه، تهران، ج ۳.
۱۶. مطهری، مرتضی، بی تا، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، بی جا، بی تا، چاپ اول، ج ۱.
۱۷. ....، ۱۳۸۶، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، قم.
۱۸. مظفر، محمدرضا، بی تا، اصول فقه، انتشارات فیروز آبادی، چاپ اول، قم
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۰، تفسیر نمونه، دارالکتب السلامیه، چاپ هشتم، تهران.
۲۰. منصورنژاد، محمد، ۱۳۸۶، نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۴.
۲۱. موسوی خمینی (امام)، سید روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم، ج ۱.
۲۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰ ه.ق، منهاج الصالحین (للخوئی)، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، قم.
۲۳. نجفی، محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، داراحیاء لمراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، لبنان، ج ۱۳.
۲۴. نمک دوست تهرانی، حسن، ۱۳۸۵، اخلاق حرفه ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات، مجله رسانه، شماره ۶۶.
۲۵. نوری، حسین، ۱۴۰۸ ق، مستورک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، بیروت، لبنان.
۲۶. هوسمن، کارل، ۱۳۷۵، حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها، مترجم: داوود حیدری، مجله رسانه، شماره ۲۷.